وفات حضرت عبدالعظیم حسنی را تسلیت می‌گوییم

جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
سه‌شنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۱ - ۱۵ شوال ۱۴۴۳
سال بیست‌وچهارم- شماره ۶۴۸۴ - ۱۶ صفحه
قیمت: ۳۰۰۰ تومان

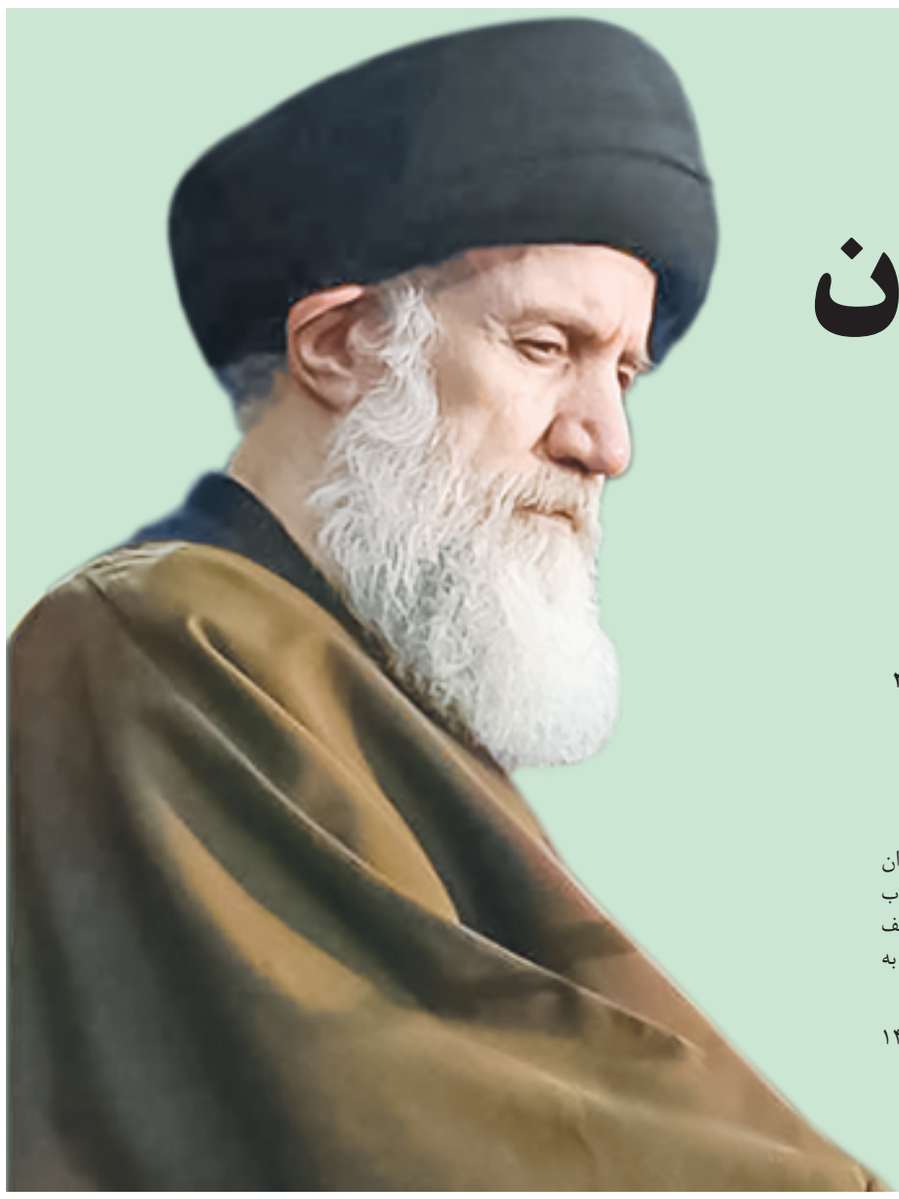

محبوب و مراد جوانان در ملکوت اعلی

استاد اخلاق و محبوب قلوب مؤمنان
سید عبدالله فاطمی‌نیا، دوستداران و مریدان را
در رثای خود تنها گذاشت و به دیدار معبود شتافت | صفحه ۲

منبع فیض جوانان بود

درگذشت عالم واعظ درس آموز، جناب حجت‌الاسلام آقای حاج سید عبدالله فاطمی‌نیا رضوان‌الله‌علیه را به خاندان گرامی و همه صاحبان عزا و ارادتمندان و مستفیدان ایشان تسلیت عرض می کنم. اطلاعات گسترده و بیان جذاب و لحن شیرین این عالم محترم، منبعی پر فیض برای جمع زیادی از جوانان و راهجویان بود و فقدان آن مایه تأسف و اندوه است. از خداوند متعال مسئلت می کنم که رحمت و غفران خود را شامل حال ایشان فرماید و پاداش وافر به ایشان عنایت کند.

سیّدعلی خامنه‌ای/ ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۱

هشدار زیست‌محیطی

خطیب‌زاده درباره استیفای حق آبه ایران

وادارمان نکنید معاهده ۱۳۵۱ را به داوری بین‌المللی ببریم

■ سخنگوی وزارت خارجه، دیروز از یک طرف ترکیه را به همکاری در زمینه حل مسائل پیش آمده زیست‌محیطی فراخواند و از سوی دیگر با اشاره به بندهای داوری در عهدنامه‌ای که ۵۰ سال پیش میان ایران و افغانستان نهایی شده است، ابراز امیدواری کرد که مسئله بهره‌مندی از حق‌آبه رود هیرمند به گونه‌ای حل شود که ایران ناچار به استفاده از بندهای داوری نشود | صفحه ۱۵

جشن خیابانی حزب‌الله از پیروزی بر امریکا و اسرائیل

■ نتایج اولیه شمارش آرای انتخابات پارلمانی لبنان نشان می‌دهد حزب‌الله و متحدانش برای دومین دوره متوالی توانسته‌اند کرسی‌های بیشتری را کسب کنند؛ نتایجی که طرفداران مقاومت را به خیابان‌ها کشاند تا این پیروزی را جشن بگیرند. رئیس جریان آزاد ملی لبنان هم انتخابات پارلمانی را سرنوشت‌ساز توصیف کرد و گفت که یک نبرد رقابتی عادی نبود، بلکه نبرد با امریکا و اسرائیل بود | صفحه ۱۵

نماینده ولی‌فقیه در سپاه:

روحانیت در جهاد تبیین باید پیشتاز باشد

صفحه ۲

جبران عقب‌ماندگی صنعت نفت و گاز با شرکت‌های دانش‌بنیان

رئیس‌جمهور: صنعت نفت ظرفیت زیادی برای توسعه مشاغل دانش‌بنیان دارد | صفحه ۴

بی‌اعتنایی خودروسازان به ضرب‌الاجل ۷۲ ساعته

قالیباف: واردات خودرو یک حلقه از زنجیره ساماندهی صنعت خودرو است | صفحه ۴

بیمه درمان ناباروری در مراکز خصوصی

■ وزارت بهداشت زمینه عقد قرارداد را میان مراکز خصوصی درمان ناباروری و بیمه‌ها فراهم می کند | صفحه ۳

گفت‌وگوی «جوان» با همسر و خواهر شهید جواد شهبازی از شهدای امنیت سیستان‌وبلوچستان

شهادت در ایام فاطمیه سعادتی بود که نصیب همسرم شد

صفحه ۷

چگونه این ثلمه پوشانده شود؟

■ محمدجواد اخوان

منقول است که «إِذَا مَاتَ الْعَالِمُ ثُلِمَ فِی الْإِسْلَامِ ثُلْمَه لَا یسُدُّها شَیءٌ إِلَی یوْمِ الْقِیامَه.» (هرگاه عالمی دنیا را ترک گوید، رخنه‌ای جبران‌ناپذیر در اسلام ایجاد می‌شود که تا روز قیامت هیچ چیز آن را فرو نمی‌پوشد.)

عالمی ربانی که در میان مردم همچون شمعی فروزان، روشنی‌بخش محیط و جمع است و جمعی از فیض علمی و معنوی او بهره می‌جویند، گنجینه‌ای گرانبهاست که تنها در هنگامه فقدان درک می‌شود.

مرحوم استاد فاطمی‌نیا یکی از همین چهره‌های دانشور و تأثیرگذار در میان طیف‌ها و اقشار گوناگون مردم بود. هم بیان زیبا و علمی او که بسیاری را جذب می‌کرد و هم نور معنوی‌ای که از ضمیر روح‌بخش او ساطع بود، گره‌های ذهنی بسیاری را می‌گشود و در طریق تقرب الی‌الله راهگشا بود. او بی هیچ مجامله‌ای، از ذخایر ارزشمند علمی و معنوی بود و اینک در فقدانش، حسرتی عظیم از نهانخانه دل‌های علاقه‌مندانش هویدا است.

هنگامی که پای منبرش می‌نشستی و از ظرایفی که در معارف دین و نگفته‌هایی که از تاریخ اسلام می‌گفت، می‌شنیدی، اندوخته‌ای از نکات ارزشمند بر روح و جانت می‌نشست. کلامش شیوا و قابل‌فهم برای اقشار مختلف بود و ویژگی خاص او چنین بود که همچون مربی‌ای توانا به دنبال آموختن و تربیت مستعمینش بود.

نگارنده این سطور که همچون بسیاری دیگر، اندکی از منابر ارزشمند این استاد گرانقدر بهره جسته است، با مرور نکات نغز و توصیه‌های ناب این چهره دانشور، آه و افسوس خود را از فقدان این استاد علم و عرفان نمی‌تواند پنهان سازد. هنگامی که قلم را در دست گرفتم تا از رفتنش بنویسم، با خود گفتم چه می‌شد اگر چنین نبود و ما باز هم از منبرهای ارزشمندش بهره‌مند بودیم، چه می‌شد بازهم ما را با نصایح مشفقانه‌اش موعضه می‌کرد و انذارهایش تلنگری بر وجدانمان بود؟

افسوس و صدافسوس که آرزویی بیش نیست و به راستی چقدر باید زمان بگذرد تا خسارتی که فقدان همچون اویی به ساحت دین و معرفت وارد می‌آورد جبران شود و آیا اساساً برای چنین فقدانی، جبرانی هست؟

دریغا رفت همدردی موافق

■ غلامرضا صادقیان

بیست‌وچند سال پیش شبی در مفهوم عبارتی از نهج‌البلاغه مانده بودم. تفسیر و توضیحی نیافتم و نتوانستم با نافهمی خود از آن عبارت کنار بیایم. نیمه‌شب از خانه بیرون زدم و بی‌هدف در خیابان‌های تهران می‌گشتم. رسیدم مقابل یک حسینیه. صدای واعظ از بیرون شنیده می‌شد و سخن از امام اول بود. رفتم داخل و در انتهای حسینیه به دیوار تکیه دادم. استاد فاطمی‌نیا بر منبر بود و من شاید نخستین‌بار بود که چهره او را می‌دیدم و صدای او را می‌شنیدم. لحظه‌ای بعد استاد مکثی کرد و آن عبارت دشوار و پیچیده را بازگو کرد! به شرح و تفصیل معنای آن پرداخت و از منبر پایین آمد. منقلب شدم. جمعیت را شکافتم و خودم را به او رساندم و دستش را بوسیدم. استاد سید عبدالله فاطمی‌نیا محبوب قلوب مؤمنان و جوانان بود. عرفان او پویا و سازنده و سدی مقابل عرفان‌های کاذب و گوشه‌نشینی و صوفی‌گری و عزلت‌گزینی بود، و چه‌قدر نایابند عارفانی که با عرفان خود محبوب دل جوانان باشند. فلسفه استاد، خوب زندگی کردن و خوب‌بودن بود، به همین سادگی! و چه‌قدر دیریاب است فلسفه‌ای که خوب‌بودن را بیاموزد. استاد، زبانی نرم و قلبی رقیق و فهمی دقیق و لسانی دائماً مقربالذنوب داشت. سینه‌اش گشوده بود و پیامش برای جوانان فروخوردن خشم و گشادگی صدر بود. هزاران منبر خود را به درس تواضع و گذشت و دوری از خشم گذراند زیرا از حال جامعه و اطراف و حال انسان این عصر و زمان و انسان هر عصر و زمان آگاه بود. لحنش شیرین و سیمایش پر نور و دایره اطلاعاتش گسترده و زبان‌شناسی و نسخه‌شناسی‌اش مایه مباهات و عربی‌دانی و شعرشناسی‌اش در صدر بود. مثل او نایاب است که لباس دوری از دنیا به تن داشته باشد و جوانانی را که در شور دنیایی خود پاگذاشته‌اند، پای منبر وعظ خود میخکوب کند. در سیاست، آن‌گونه بود که در دفاع از حکومت آشکارا سخن می‌گفت و دین را به پستوی عادت‌های تکراری و دوری از سیاست نبرد. دریغا مردی مانند او که جوانان را جذب کرد و کسی را از دین نراند و از دنیا برای خود مقابل چشم مؤمنان کیسه‌ای ندوخت، چه زود دامن خود را از این معرکه دنیا برگرفت و به دنیای باقی دوخت.

دور از کلیشه‌ها و واجد جذابیت بود

■ محمدرضا کائینی

از شب گذشته که خبر رحلت استاد سیدعبدالله فاطمی‌نیا نشر یافت، با سابقه ذهنی خویش از او، ناگاه به این اندیشه افتادم که اگر دست کم بخشی از اهالی وعظ، به شیوه وی ظاهر می‌شدند، قطعاً شرایط فکری و فرهنگی جامعه به ویژه نسل جوان، به از آن بود که هم اینک به نظاره آن نشسته‌ایم! اینکه مبلغی شرایط عوام و خواص را بسنجد و بضاعت خویش از تاریخ، ادبیات، عرفان، نسخه‌شناسی و فضایل دیگر را در قالبی مخاطب‌پسند و خودساخته بریزد، که همگان با هر رتبه از دانش، بتوانند از خطابه او توشه برگیرند، بس موفق و جامعه‌اندیشانه رفتار کرده است. در دوران نوجوانی این قلم و به طور مشخص از اواخر دهه ۶۰ تا پس از نیمه دهه ۷۰، فاطمی‌نیا برای جویندگان معرفت دینی، یک نماد درخور تقلید به شمار می‌رفت. از کلیشه و تکرار پرهیز داشت و همواره با دستی پر، به نزد مخاطبان مشتاق می‌شتافت. برای وی شیرین‌ترین لحظات، اوقاتی بود که در ساحت‌های مورد کنکاش خویش، به نکته‌ای جدید بر می‌خورد و آن را به حال خلق‌الله مفید می‌دید. آنچه می‌گفت، خودیافته و خودپرورده بود و هنگامی که به بیان متفاوت و نیز اشعار و لطایف و طرایف تزئین می‌یافت، بر جان مخاطب می‌نشست. با وجود امثال او و سلف وی چون فلسفی و راشد، می‌شد به طلاب نمونه‌هایی نشان داد، که ژرفکاوی پژوهشی را با تبلیغ و منبر جمع کرده‌اند و فضلا الا و لابد، لازم نیست در گوشه‌ای بنشینند و تنها تدریس و تحقیق کنند! او خود به نگارنده گفت: «امتیاز آقای فلسفی این بود، که برای نخستین بار و به جامعیت، معارف اجتماعی اسلام را به بالای منابر تبلیغی برد....» او خود نیز علاوه بر انجام بهینه تبلیغ دین، از شرایط اجتماعی و سیاسی جامعه نیز غفلت نمی‌کرد و در اوقات ضرورت، مردم را به حمایت قاطع از نظام و رهبری سوق می‌داد. با این حال سبک وی نیز در این فقره، ویژه بود و هیچ‌گاه اجازه نمی‌داد که این حمایت، او را به کسوت یک فعال سیاسی درآورد!

از توجه گسترده بخش‌هایی از جامعه به وی در دوران حیات و ادعیه‌ای که آنان به هنگام بیماری و رحلت بدرقه‌اش ساختند، می‌توان دریافت که آنان، به کدامین نمونه از تبلیغ دینی گرایش نشان می‌دهند و آن را مفید می‌انگارند. باشد که برای طلاب جوان و نیز داعیان حق، الهام‌بخش و جهت‌دهنده باشد. روحش شاد و یادش گرامی باد.

عارفی با فراست سیاسی

■ کبری آسوپار

او را به عرفان و اخلاق می‌شناختند و او گرچه در عرفان و اخلاق خاص و شهره بود، اما عرفان و اخلاقش بهانه انزوایش یا دوری‌اش از «سیاست» نبود. آیت‌الله فاطمی‌نیا استاد تربیت مردم بود و در مسیر این پرورش روح انسان‌ها، از بعد سیاسی نیز فروگذار نکرد. او نه فعال سیاسی بود و نه عضو حزب و طرفدار این کاندیدا و آن نامزد، اما آنقدر اسلام‌شناس بود که همه سیاست را در اعتقاد به «ولایت فقیه» و یاری او، همچون خلاصه‌ای ناب از یک عمر تلمذ در مکتب اسلام به مخاطبان خود عرضه کند: «خدا ان‌شاءالله به ما هم توفیق بدهد، یار رهبرمان باشیم».

منبر دین در اسلام نمی‌تواند با سیاست بیگانه باشد و او نه فقط الگویی از آمیختگی دین و سیاست، بلکه تصویری زیبا از مغایرت نداشتن اخلاق و عرفان با سیاست ارائه داد؛ برای او که شغلش سیاسی نیست و به فرموده خود، «نه پستی دارم، نه مقامی دارم، یک طلبه‌ای هستم»، سیاست‌ورزی از این بالاتر نمی‌شود که پای رهبر جامعه اسلامی بایستد و تضعیف رهبر را «حرام» و بلکه بالاترین حرام‌ها بداند. زیبا آن است که در این حمایت از مقام معظم رهبری هم، او آنچنان که شایسته یک استاد اخلاق است، نگران «مردم» است. می‌گوید تضعیف رهبری از شرب خمر هم حرام‌تر است، چرا؟ چون شرب خمر گناهی مربوط به خود شخص است، اما تضعیف رهبری را سوراخ کردن یک کشتی ۸۰میلیون نفری می‌داند و او عالم و واعظی است نگران همه این میلیون‌ها نفر انسان. عالمان جانشینان امامان‌اند در زمین، امام دلسوز بر هدایت مردم است و استاد فاطمی‌نیا هم همین بود.

مؤمن زیباست و وقتی این مؤمن واسطه بین زمین و آسمان می‌شود تا انسان‌ها را به خدا برساند، زیبایی‌اش حتی با رفتنش از زمین، روی این کره خاکی ادامه دارد؛ در انسان‌هایی که ساخته است، در آموزه‌هایی که نهادینه کرده است و در همه یادگارهایی که عطر او را دارد و از آیت‌الله فاطمی‌نیا، در بعد سیاسی، حمایت از حکومت اسلامی و ولی‌فقیه برای ما ماند. او عضو حزب ولایت‌فقیه بود. از این منظر، او عارفی سیاسی و سیاست‌ورزی با اخلاق بود.

«معروف» را با رفتار خود امر می‌کرد

■ محمدصادق فقفوری

اگر در تهران بودم و توفیق حاصل می‌شد، عصر سه‌شنبه‌ها پای درس شرح صحیفه سجادیه آیت‌الله فاطمی‌نیا در مسجد جامع از گل حضور پیدا می‌کردم، این کلاس و منبر انسان‌ساز چند سالی برپا بود.

بارها این صحنه را مشاهده کردم؛ آقای فاطمی‌نیا زودتر از ساعت کلاس در مسجد حاضر می‌شد، سؤالات مردم را می‌شنید و با سعه‌صدر به آنها پاسخ می‌گفت. حتی در اوج شلوغی، متانت خاص ایشان حلقه انبوه پرسشگران را راضی باز می‌گرداند. از در انتهایی مسجد وارد می‌شد تا جلوی مسجد و کنار منبر برسد. در مسیر، هر کسی که می‌آمد و عرض ارادت می‌کرد و سؤالی داشت، می‌ایستاد و هم به سلام و علیک و هم به سؤالات پاسخ می‌گفت. اوضاع پس از اتمام کلاس هم بر همین منوال بود. در عین اشتغال فراوان و کارهای زیاد در گوشه و کنار شهر و خارج از شهر، اهل راننده و ماشین اختصاصی نبود. پسر ایشان، آیت‌الله را به مسجد می‌آورد. هر کسی هم ساعت و مکان حضور آیت‌الله را می‌خواست، از فرزند ایشان می‌پرسید و او هم بی‌غل و غش آمار حاج آقا را در اختیار می‌گذاشت. نحوه بیان، غنای مطالب، لهجه شیرین و شوخی‌های حین صحبت، کلاس اخلاق و تدریس صحیفه سجادیه را الحق و الانصاف متمایز کرده‌بود.

سیدحسین فاطمی‌نیا، فرزند آیت‌الله تعریف می‌کرد که هیچ‌گاه ندیده‌است آیت‌الله در خانه مادرمان را بدون پسوندهای محبت‌آمیزی نظیر جانم و عزیزم صدا کند؛ مقابل مادرمان تمام قد بلند می‌شدند؛ هر موقع مادر خواب بود، به همه می‌فهماندند که باید آرام صحبت کنند تا خواب مادر به هم نخورد. با کودکان همراهی می‌کردند تا دل‌شان را به دست بیاورند؛ حتی در اوج مطالعه، ادامه خواندن را رها می‌کردند و با نوه به دیدن کارتون پای تلویزیون می‌نشستند.

نه‌تنها سخنرانی‌ها و کلاس‌ها که حتی زندگی شخصی این عالم وارسته مصداق بارز امر به معروف و نهی از منکر بود. دلداری مردم و آرام کردن‌شان هم در سخنرانی‌ها و هم در پاسخ به سؤالات، زبانزد بود. بدون اینکه مستقیماً اسمس از امر به معروف و نهی از منکر بیاورند، والاترین آموزه‌های عملی این فریضه را در گفتار و رفتار خودشان متجلی ساخته‌بودند.

آیت‌الله فاطمی‌نیا استاد اخلاقی بود که می‌شد اخلاق را از راه رفتنش هم فهمید. عاری از هرگونه تکبر و تبختری برخورد می‌کرد. وقتی لب به سخن می‌گشود، لزوم دوری جستن از بدترین منکرها را به زیباترین لحن بیان می‌کرد. از زبان ایشان شنیدم و به یادگار دارم که روی منبر گفت: «عجب» از «تکبر» بدتر است. عجب، فخرفروشی نداشته‌ها است. کسی که دچار عجب است حتی به خودش هم دروغ می‌گوید. به خود بالیدن بر اساس عجب، تباه‌کننده اعمال است؛ باید خیلی مراقبت کنیم که دچار عجب نشویم.

مردی را دیدم که خود «میزان شأن آدمی» بود

■ محمد صادق عبداللهی

مجلس چه از گل بود و چه دروس و چه زعفرانیه، گوشه به گوشه پر می‌شد از جوانانی که به اشتیاق دیدن روی ماه استاد و کلام شیرینش می‌آمدند. منبرهایش درس زندگی بود. برایمان نهج‌البلاغه و صحیفه سجادیه شرح می‌داد تا یاد بگیریم چطور ادعیه و حکمت‌های ائمه را نه برای ثواب که برای درس زندگی بخوانیم. اسلامی که استاد فاطمی‌نیا برایمان روایت می‌کرد، در خط به خط زندگی‌مان جا می‌شد.

خیلی‌ها از او می‌خواستند که استاد سیروسلوکی معرفی کند، او اما تلاش می‌کرد از مقدس‌بازی پرهیزمان بدهد تا «برویم و به یقینیات‌مان عمل کنیم»؛ می‌گفت باید در زندگی‌تان به همان چیزهایی که بلدید عمل کنید تا خدا هم به کاسه‌تان برکت بریزد؛ اگر می‌دانید نماز شب خوب است، پس بخوانید. اگر می‌دانید احترام به مادر واجب است، پس احترام کنید. همین هم بود که مردم به سمتش جذب می‌شدند. دین نابی که او تبلیغ می‌کرد، برنامه زندگیِ بهتر و شیرین‌تر بود. لذت زندگی دین‌مدارانه را زیر زبانمان می‌آورد و این قند آنقدر جذاب بود که هر که می‌رفت، جلسه بعد رفیقش را هم پای منبرش می‌آورد.

دیده بودم که مردم از راه‌های دور می‌آمدند. مادرها نوزادانشان را می‌آوردند تا برایشان دعا بخواند و او با لطافت و صبری که مخصوص خودش بود، پای خودرو می‌ایستاد و یکی یکی بچه‌ها را در آغوش می‌گرفت و در گوششان زمزمه می‌کرد. همه التماس دعا داشتند، دلشان می‌خواست لسان او برایشان عاقبت بخیری بخواهد. او هم کم نمی‌گذاشت و هر بار روی منبر قسم می‌خورد که همه را دعا می‌کند به شرطی که همه هم او را دعا کنند. می‌گفت دعای شما را که برای خرید شاسی‌بلند و ویلا نمی‌خواهم، دعایم کنیم تا کتاب‌ها و کارهای ناتمامم را تمام کنم.

اوج لطافت بود و می‌گفت تا لطیف نشویم چیزی گیرمان نمی‌آید. می‌گفت راز خوشبختی فرو بردن خشم است. قسم‌مان می‌داد که حواسمان باشد دلی را نشکنیم، قدر مادرهای‌مان را بدانیم و در خانه پرخاش نکنیم. یادم است یک بار می‌گفت اگر از هیئت برگشتی و فقط در جواب مادرت که می‌پرسد «قیچی کجاست؟» گفتی «من چکارم به قیچی!» تمام آن نوری را که در هیئت به دست آوردی، به باد داده‌ای!

می‌گفت اسلام دین کیفیت است نه کمیت. تلاش داشت تا بفهمیم کثرت نماز خواندن و عمره رفتن، ملاک برتری و تقوا نیست. اندرزمان می‌داد که کسی را قضاوت نکنیم. یادمان داد که عبادت خم و راست شدن نیست و رسیدن به خدا از راه قلب رساننده‌تر است از خسته کردن جوارح. تلاش داشت تا بفهمیم اسلام یک کلاس نیست که زود بخوانیم و زبده‌العارفین بشویم که اگر بود همه مسلمانان، بهجت(ره) می‌شدند. می‌گفت اگر دائماً برای‌تان از کرامات عرفا و بزرگان می‌گویم، نمی‌خواهم دکان باز کنم، می‌خواهم بگویم سقف پرواز انسان خیلی بلند است تا قدر بدانید. | ادامه در صفحه ۲

یادداشت سیاسی

حسین عبداللهی‌فر

الزامات کشور در مردمی‌سازی یارانه‌ها

بدون تردید ویژگی‌های انحصاری دولت سیزدهم از جمله هویت مردمی، روحیه انقلابی و رویکرد مقاومتی تأثیر بسزایی در اجرای طرح مردمی‌سازی یارانه‌ها دارد، چراکه می‌توانست مانند برخی دولت‌های پیشین با عوام‌فریبی راه غلط گذشته را طی کند و همچنان به جای اصلاحات بنیادین و ریشه‌ای، با تزریق نقدینگی و افزایش تقاضا هم مشقات این کار بزرگ را به جان نخرد و هم مردم را از خود راضی نگه دارد. این دولت اما منافع دراز مدت ملت ایران را بر منافع کوتاه مدت‌شان ترجیح داد تا هم نظام اسلامی را به آرمان عدالت‌خواهی و محرومیت‌زدایی نزدیک کند و هم بخشی از مشکلات اقتصادی کشور را درمان کند | صفحه ۲

یادداشت بین‌الملل

نیویورکر / ترجمه: حامد خبیری

نژادپرستی در تار و پود جامعه امریکا

روز شنبه، در پارکینگ یک خواربارفروشی محلی در بوفالو نیویورک، یک جوان ۱۸ ساله مسلح به یک تفنگ تهاجمی نیمه اتوماتیک که حرف «N» بر روی مگسک دید جلویش حک شده بود، شروع به تیراندازی کرد. گلوله‌ها در هوا پخش شد و بعدازظهر ۸۰ درجه فارنهایت گرم بهاری بوفالو را درنوردید. این نوجوان که بعداً پلیس شناسایی‌اش کرد، لباس‌های استتار نظامی به تن داشت و برای عکسبرداری از جنایت خونین خودش دوربینی به بدنش وصل کرده بود. وقتی تیراندازی او متوقف شد، ۱۳ نفر گلوله خورده بودند که ۱۰ نفرشان کشته شدند | صفحه ۱۵

یادداشت حوادث

حسین فصیحی

نماینده مدافع ارابه مرگ و منافع خود!

نماینده‌ای که ۵۰ سال است، فعال بازار خودرو است در مخالفت با واردات خودرو، یک تنه از ارابه‌های مرگ خودروسازان داخلی حمایت می‌کند! مصطفی میرسلیم براساس اطلاعات پایگاه اطلاع‌رسانی مجمع تشخیص مصلحت نظام، رئیس هیئت مدیره شرکت دسا (دیزل سنگین ایران)، مؤسس مرکز تحقیقات موتور و رئیس هیئت مدیره شرکت تحقیق، طراحی و تولید موتور ایران خودرو (ایپکو) از سال ۱۳۷۶ تاکنون، ناظر عالی طرح موتور ملی پایه گازسوز و ناظر عالی طرح موتور ملی دیزل سواری است | صفحه ۱۴